

بررسی تأثیر سرمایه نهادی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام

سید رحیم موسوی^{*۱}، فریدون وحید^{**۲}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۴

چکیده

استان ایلام یکی از محروم‌ترین نقاط کشور است که علاوه بر توجه ویژه دولت، نیازمند مشارکت واقعی عموم مردم در فرایند توسعه و محرومیت‌زدایی است. البته مشارکت مردم در فرایند توسعه، خود، تحت تأثیر عواملی چون سرمایه نهادی است. از این منظر، هدف این پژوهش، شناخت و تحلیل تأثیر سرمایه نهادی بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام است. روش تحقیق، کمی و ابزار اصلی گردآوری داده‌های تحقیق، پرسشنامه بوده است. داده‌های تحقیق به کمک نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آماره‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان بخش‌های عمرانی و فنی شاغل در ادارات و نهادهای دولتی استان ایلام است. حجم نمونه به تعداد ۱۳۰ نفر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای به دست آمده است. اعتبار تحقیق، صوری و پایایی پرسشنامه تحقیق بر مبنای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶۹) به دست آمده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از هفت شاخص سرمایه نهادی، سه شاخص تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر با میزان بتای برابر با (۰/۲۶۳)، آگاهی نهادها از شرایط منطقه با میزان بتای برابر با (۰/۲۴۰) و قوانین مناسب با میزان بتای برابر با (۰/۱۷۷)، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام داشته‌اند.

کلیدواژه: سرمایه نهادی، مشارکت، توسعه مشارکتی، توسعه محلی، منطقه ایلام.

مقدمه

استان ایلام هرچند دارای پتانسیل‌های خوبی در زمینه کشاورزی، دامپروری و گردشگری (طبیعی، تاریخی و مذهبی) است، و همچنین، بر اساس مطالعات انجام شده، حدود ۱۱ درصد ذخایر مستقل گاز کشور (۱۴ تریلیون فوت مکعب) و بیش از ۳/۱۵ درصد ذخایر نفت خشکی ایران (۸۷/۱۱ میلیارد بشکه) را دارا است (نقل از سالنامه آماری ایلام، ۱۳۹۱)، اما در ردیف توسعه‌نیافته‌ترین و محروم‌ترین مناطق کشور قرار دارد. به نظر می‌رسد یکی از راه‌ها و مسیرهایی که باعث پیشرفت یا تسهیل توسعه محلی و منطقه‌ای ایلام می‌شود، مسیر مشارکت اجتماعی مردم است. در واقع، مشارکت اثربخش، سازمان‌یافته و واقعی ساکنان استان ایلام، که به‌وضوح از حلاء امکانات مناسب شهری و روستایی در رنج است، می‌تواند به رشد و شکوفایی منطقه ایلام کمک کند. به بیان دیگر، نقش مشارکت‌های مردم در پروژه‌های توسعه شهری و روستایی استان، می‌تواند رویکردی از توسعه با کمک ساکنان را نشان دهد که می‌توان از آن تحت عنوان توسعه‌ای یاد کرد که به الگوی مشارکت واقعی، گره خورده است. در الگوی مشارکت واقعی^۱، تلاش شود مشارکت مردمی با تقویت توان و قدرت تصمیم‌سازی توده‌ها در قالب بسط نهادهای محلی و فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای توسعه دنبال گردد (غفاری، ۱۳۸۰: ۶). به تعبیر دیگر، دخالت خودخواسته عناصر محلی در فرایند توسعه و تحرک بخشیدن به منافع بومی برای نیل به توسعه محلی و ملی، زیربنا و شالوده‌نگرشی را تشکیل می‌دهد که از آن می‌توان به عنوان «توسعه مشارکتی» یاد کرد (مونکنز، ۱۳۷۴: ۳). همچنین، توسعه مشارکتی با طرح اندیشه‌های توسعه از پایین، درون‌زا و بومی که با مفاهیم خوداتکایی و مشارکت مردمی آمیختگی شدیدی دارند و بر استفاده از منابع طبیعی، انسانی و نهادی با هدف ارضاء نیازهای اساسی افراد هر منطقه تأکید دارند، قرابت دارد (تایلور و مکنزی، ۱۹۹۲: ۲۳۳؛ به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۸).

به‌علاوه، تسهیل یا رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه، که نقطه کانونی رویکرد توسعه مشارکتی است، خود تحت تأثیر یک سری عوامل و متغیرها از جمله سرمایه یا ظرفیت نهادی قرار دارد. در این رابطه، به نظر هلی^۲ (۱۹۹۸)، سرمایه نهادی می‌تواند بر اساس سه عنصر منابع دانش، منابع ارتباطی و توانایی برای بسیج کردن درک شود. از نگاه وی، این سه عنصر با هم روابط متقابلی دارند و در واقع به عنوان عناصر تقویت‌کننده یکدیگر عمل می‌کنند. سامپر^۳ (۲۰۰۷) نیز سرمایه نهادی را در چارچوب رویکردهای حکم‌رانی می‌بیند. وی ظرفیت نهادی را از منظر کفایت، منابع انسانی و مدیریت عمومی می‌بیند. از این منظر می‌توان استدلال کرد که کفایت اعضا و مدیران خوب، تأکید نهادها بر انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی، تعامل نهادها برای ارتباط با سطوح بالاتر، آگاهی نهادها از شرایط منطقه، و قوانین مناسب در رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام مهم و تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، عوامل نهادی می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌ای در فرایند رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام، به‌ویژه، در راستای مشارکت سازمان‌یافته مردم در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و روستای استان داشته باشد.

بنابراین، شناخت میزان سرمایه نهادی و تأثیر آن بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام، مهم‌ترین هدفی است که در این نوشتار به دنبال آن هستیم. همچنین، پرسش‌هایی که این تحقیق در پی پاسخ به آنها است

1. genuine participation
2. Healey
3. Sumper

عبارت‌اند از: الف) میزان سرمایه نهادی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام چگونه است؟ ب) شاخص‌های سرمایه نهادی چه تأثیری بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارند؟

پیشینه تحقیق

- عباس‌زاده (۱۳۷۸) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری»، به بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری و تأثیر عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر آن پرداخته است. این تحقیق با روش پیمایش در بین شهروندان شهر اصفهان انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته‌اند. از بین متغیرها، متغیرهای رفاه غیرمادی، تأمین نیازهای اولیه و فرهنگی کم‌ترین تأثیر و عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت کل شهروندان در امور شهری داشته‌اند.

- نیازی (۱۳۸۰) در رساله دکتری خود با عنوان «تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان»، در سطح خرد، رابطه بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی (تقدیرگرایی، سنت‌گرایی، خاص‌گرایی، آینده‌گرایی، خوداتکایی و بیگانگی اجتماعی) و میزان مشارکت را سنجیده است که این رابطه در مورد همه مؤلفه‌ها معنادار بوده است. همچنین، در سطح میانی، رابطه سه متغیر سرمایه اجتماعی، ساختار خانواده، و پایگاه اقتصادی اجتماعی با مشارکت اجتماعی آزمون شده است که هر سه متغیر یاد شده با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری داشته‌اند. فرض کلان پژوهش نیز با روش تاریخی و در قالب متغیرهای کلان تمرکزگرایی، اقتدار ساختار سیاسی، دیوانسالاری و نظام متمرکز اداری، مورد بررسی قرار گرفته و محقق نتیجه گرفته است که عوامل یاد شده در طول تاریخ ایران، موانعی مهم بر سر راه تحقق مشارکت اجتماعی بوده‌اند.

- ردی و همکاران (۱۹۷۳) در مقاله‌ای با عنوان «چرا مردم در کارهای داوطلبانه مشارکت می‌کنند؟» عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در کارهای داوطلبانه را این‌گونه برمی‌شمرند: ۱) مرحله چرخه حیاتی: سن، تعداد فرزندان، سن فرزندان، وضعیت تأهل و امر ازدواج، ۲) پایگاه اجتماعی و اقتصادی: سطح درآمد، طبقه اجتماعی، وجهه شغلی، آموزش و مالکیت، ۳) عوامل اجتماعی - فیزیکی: جنس، قومیت، سلامت فیزیکی و توانایی‌های جسمی، ۴) نوع نگرش‌های افراد: داشتن تعهد اجتماعی به مشارکت، نگرش مثبت به اجتماع محلی خود، عدم بیگانگی اجتماعی، داشتن نگرش مثبت نسبت به سوددهی فعالیت‌های مشارکتی گروه، داشتن روحیه همکاری و تعاون، داشتن نگرش مثبت به توسعه جوامع و اجتماعات خود، تشویق خویشاوندان به مشارکت فرد در گروه و حمایت‌های اجتماعی، ۵) صفات و خصوصیات شخصیتی و گنجایش‌های فردی: رضایت شغلی، اعتماد به نفس، تصور مثبت از خود، انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری، نوع‌دوستی و ایثار و استقلال فردی.

- گیوردانو^۱ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت و توانایی نهادی، خرده‌فرهنگ سیاسی و تجدید حیات منطقه‌گرایی» به این موضوع می‌پردازد که در دهه‌های اخیر مقیاس منطقه‌ای در اتحادیه اروپا، هم در بحث‌های آکادمیک، و هم در زمینه‌های سیاست‌گذاری، مورد توجه جدی قرار گرفته است. وی اشاره می‌کند که به‌ویژه توجه عمده‌ای به نقش و اهمیت آنچه که به اصطلاح ظرفیت و توانایی نهادی منطقه‌ای در توسعه منطقه‌ای در اتحادیه اروپا نامیده می‌شود، شده است. به علاوه، وی نتیجه می‌گیرد که وجود ظرفیت نهادی بالا از دلایل اساسی و عمده‌ای است که به‌واسطه وجود آن

منطقه نورثرن لیگ^۱ در ایتالیا توانسته است به‌عنوان منطقه‌ای مهم در میان مناطق پویا و توسعه‌یافته اروپا ظهور یابد.

- سامپر (۲۰۰۷) در پژوهش خود با اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه در سطح شهرهای کشور کرواسی و بررسی ارتباط آن با میزان ظرفیت نهادی به این مسأله مهم اشاره می‌کند که ساختارهای متفاوت حکمرانی دارای سطوح متفاوتی از ظرفیت نهادی هستند. به گفته وی، با توجه به این که در کرواسی ساختارهای جدید حکمرانی در حال شکل‌گیری است، برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه یکپارچه منطقه‌ای بایستی سطوح ظرفیت نهادی موجود را افزایش داد.

- مالکویچ و همکاران^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «ظرفیت نهادی برای توسعه منطقه‌ای در کرواسی»، ظرفیت اجرایی را در مفهوم نهادی خلاصه نموده‌اند. همچنین، نویسندگان در یک سطح کلان‌تر ظرفیت نهادی/ اجرایی را در زمینه چهار اقدام اصلی اعم از مدیریت، برنامه‌ریزی، کنترل و ارزیابی تعریف کرده‌اند. در این پژوهش، به شکل تجربی ثابت شده است که در میان مجموعه عوامل تأثیرگذار، یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای استفاده کارآمد از منابع مالی در توسعه منطقه‌ای و محلی، ظرفیت نهادی است.

- کاوتن و گودت (۲۰۰۸) در مقاله‌ای موسوم به «بازاندیشی در مشارکت اجتماعی؛ مطالعه مهاجران در کانادا» با تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش اجتماعی عمومی (GSS) در سال ۱۹۹۸، به بررسی علل مشارکت اجتماعی پایین در بین مهاجران کانادا می‌پردازند. یافته‌های تحقیق آنان حاکی از آن است که نخست انجام فعالیت داوطلبانه رسمی و مشارکت اجتماعی گسترده سطح یکسانی از تغییرپذیری را در بین گروه‌های مختلف اجتماعی اعم از کانادایی‌ها و مهاجران، نشان نمی‌دهد، و دوم، هر چند متغیرهای خانواده و جنسیت تنها بر مشارکت اجتماعی کانادایی‌ها تأثیر مثبتی دارند اما متغیرهای سن، تحصیلات و درآمد بر مشارکت اجتماعی هر دو گروه کانادایی و مهاجران تأثیر مثبت دارند.

مبانی نظری

سرمایه (ظرفیت) نهادی: تعاریف و ابعاد و مؤلفه‌ها

آلیرتس^۳ و همکاران (۱۹۹۷) هرگونه توافق رسمی و غیررسمی بین مردم همانند عادات فرهنگی را نهاد نام گذاشته‌اند. لیپ هارت^۴ (۱۹۸۴) نهادها را به‌عنوان قوانین و شیوه‌های رسمی و غیر رسمی تعریف کرده است. آبهوف^۵ (۱۹۸۶) نیز نهاد را به‌عنوان مجموعه پیچیده‌ای از رفتارها و رفتارهای پایدار در طول زمان که اهداف اجتماعی را ارزش‌گذاری می‌کنند، و همچنین، سازمان را به‌عنوان یک ساختار رسمی و مورد پذیرش قوانین تعریف می‌کند؛ با این حال اشاره می‌کند که هر دو اصطلاح می‌توانند به‌جای هم به کار روند. با این اوصاف، ظرفیت یا سرمایه نهادی بیشتر از منظر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سازمانی، حکمرانی خوب و جامعه قابل تعریف است. در سطح سازمانی می‌توان از ویژگی‌هایی چون داشتن مأموریت و چشم‌انداز روشن بین سازمان‌ها، همکاری سازمان با مؤسسات بخش خصوصی و کسب و کار و سازمان‌های غیردولتی با سازمان‌های دولتی، تلاش برای ارتقاء روابط افقی بین سازمانی، مشارکت بازیگران در شبکه‌های همکاری، وجود قوانین و رویه‌ها برای عمل در محیط شبکه، توزیع مناسب مسئولیت‌ها در درون شبکه‌های

-
1. Northern League
 2. Malekovic et al.
 3. Alaerts et al.
 4. Lipjhart
 5. Uphoff

همکاری، وجود ترتیبات مشخص برای هماهنگی اقدامات در محیط شبکه، دوام و سرانجام پایدار ماندن شبکه نام برد. در مورد حکمرانی عمومی می‌توان به مقولاتی چون تصمیم‌گیری جمعی برای سیاست‌ها، درجه پایداری و دوام سیاسی، توانایی شهروندان، آزادی گروه‌ها و انجمن‌ها در ابراز نظرات و دیدگاه‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری برای توسعه، کنترل اقدامات حکومت، رسانه‌های مستقل، میزان ارائه اطلاعات شفاف از طرف حکومت، کیفیت خدمات اجتماعی و درجه استقلال آن از بخش دولتی، درجه ثبات و پایداری نهادهای عمومی، کنترل فساد، و نهایتاً دسترسی شفاف به اطلاعات اشاره کرد. در سطح جامعه نیز می‌توان به مواردی چون درجه پذیرش اقدامات و سیاست‌های حکومت از طرف شهروندان، بخش کسب و کار و سازمان‌های غیردولتی، میزان مداخله ابداعات و ابتکارات گروه‌های فوق در فرایند سیاست‌ها و تصمیم‌گیری، احساس مسئولیت فردی و یا جمعی، میزان آگاهی عمومی از مسائل، نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها از موضوعات خاص، میزان مشارکت، و در نهایت، میزان قبول قوانین اشاره کرد (ویلمرز و بومرت، ۲۰۰۳: ۱۵-۱۱).

مشارکت در توسعه: تعاریف و ابعاد و مؤلفه‌ها

دیویس مشارکت را «درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون» می‌داند (طوسی، ۱۳۷۲: ۳۴). آرنشتاین مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳). به زعم اوکلی، مشارکت شامل حساس‌سازی مردم، و در نهایت، افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ‌گویی به برنامه‌های توسعه است (محسنی و جارالهی، ۱۳۸۲: ۱۲). از نظر هالبواکس، مشارکت در توسعه عبارت است از درگیری در ارزش‌های جامعه، به‌طوری که هرگاه افراد در بطن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود زندگی کنند، در واقع، در حیات اجتماعی مشارکت دارند (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴). میسرا، مشارکت را عبارت از رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسئول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل، به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد، می‌داند (میسرا، ۱۳۶۵: ۲۳). به زعم رحمان، مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک چارچوب سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف‌شان هستند (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۲).

به‌طور کلی، ارتقاء سطح آگاهی اجتماعی، درگیری ذهنی و عاطفی، انگیزش برای یاری دادن، پذیرش مسئولیت، تصمیم‌گیری و وفاق اجتماعی، اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری، خوداتکایی، خودباوری، خودشناسی، و در نهایت، برآورده شدن نیازهای مردم در زمینه فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از کارکردهای مشارکتی توسعه به‌شمار می‌روند.

چارچوب نظری

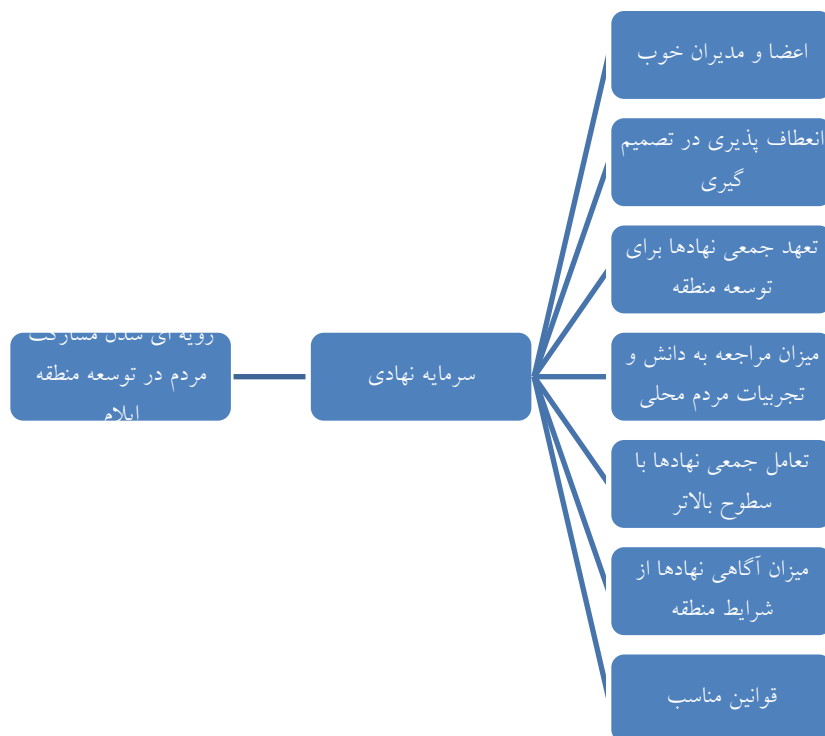
در بخش چارچوب نظری این پژوهش قابل ذکر است که سرمایه نهادی هر چند از منظر شاخص‌های فرهنگ سیاسی (هیگن)، نحوه مدیریت دولتی (فرست)، تداوم دموکراسی (لرنر؛ لیپست)، نهادهای مشارکتی (لرنر؛ ساموئل موشی؛ سالیامعمر)، عدم تمرکزگرایی یا تمرکززدایی (لیپست؛ شفر؛ میسرا؛ بورکر)، آمادگی مسئولان دولتی جهت گفت‌وگو و پذیرش اظهارنظر مردم (گائوتری)، ایدئولوژی مشارکتی (ساموئل موشی)، تشکیل سازمان‌های مشارکتی محلی (عبیدالله خان؛ برابان جین)، دادن مسئولیت به مردم (میسرا)، تحقق نمایندگی مردمی در سطح ملی و منطقه‌ای (غفاری و نیازی)، رهبران و مدیران خوب (شفر؛ گائوتری)، بهره‌گیری از سنت‌های محلی (لنوار؛ شفر؛ گائوتری)، سازمان‌دهی جمعیت‌ها (شفر؛ بروگر؛ مولینا)، گفت‌وگو (بارداو)، سهمین شدن در قدرت (مولیناس؛ کلمن)، توزیع مجدد قدرت (اوکلی؛ مارسدن؛ رحمان؛ عبیدالله خان)، اراده مثبت نظام سیاسی و

دولت (کولن؛ اوکلی؛ مارسدن؛ گائوتری)، قوانین و نهادهای مناسب (گائوتری)، روحیه دموکراسی (گائوتری)، کثرت‌گرایی (موشی؛ گائوتری؛ عبیدالله خان)، رفتار پدرسالارانه مأموران محلی (عبیدالله خان؛ میسرا؛ میدگلی؛ هال)، اعتماد به مردم (برایان جین)، ایجاد روحیه خوداتکایی در مردم (برایان جین)، و در نهایت، رویه‌ای شدن مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه شهری را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد (به نقل از موسوی، ۱۳۹۵: ۱۲۰) اما در این پژوهش با توجه به شاخص‌های تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه، تعامل جمعی نهادها در ارتباط با سطوح بالاتر، بهره‌گیری از سنت‌های محلی و تجربه شهروندان، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم، میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه، انعطاف‌پذیری و پذیرش ایده‌های مردم، اعضا و مدیران خوب در سطح ادارات محلی، قوانین مناسب، و به‌ویژه، تناسب قوانین و مقررات ملی با شرایط محلی، سرمایه نهادی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام مورد پژوهش قرار گرفته است. در جدول شماره ۱، به‌طور خلاصه، چکیده دیدگاه‌های نظری تبیین‌کننده رابطه شاخص‌های متغیر مستقل و وابسته در این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. چارچوب نظری تحقیق (چکیده دیدگاه‌های نظری)

چکیده	۳
ماهیت مشارکت، وابسته و متکی به نظام قدرت است. مشارکت در توسعه هنگامی معنای واقعی و کامل خود را باز می‌یابد که در مکانیسم‌های مرکزی حیات اجتماعی نفوذ کرده، بر تنظیم کارکرد زندگی اجتماعی تأثیر گذارد (صمدی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۰۶).	۳
لویس در دهه ۱۹۳۰ سه سبک رهبری را شناسایی کرد: (۱) رهبر مقتدر یا رهبری آمرانه؛ (۲) رهبر دموکراتیک؛ (۳) رهبر بی‌قید یا بی‌مسئولیت. دو نوع رهبری مقتدرانه و بی‌قید، در جوامع سنتی و گروه‌های کوچک دیده می‌شوند اما امروزه، رهبری دموکراتیک است که مورد پذیرش افکار عمومی و مشارکت عمومی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).	۳
برای تحقق مشارکت هم باید اراده سیاسی دولت، اسناد قانونی و نهادهای اجتماعی متناسب وجود داشته باشند و هم باید مشارکت‌کنندگان شرایط لازم را داشته باشند. علل عدم مشارکت عبارت‌اند از: بی‌سوادی و فقدان اطلاعات، موانع زبانی و فرهنگی، عادت امتناع از رأی دادن، بدبینی فرد در خصوص کارایی مشارکت، کمبود وقت و نیز عدم آمادگی مسئولان دولتی جهت گفت‌وگو و پذیرش اظهار نظر مردم. اما برخورداری از تحصیلات و اطلاعات مناسب، داشتن وقت کافی، دوری از انزوا و کناره‌گیری، عدم تردید در مورد مؤثر بودن فرایند مشارکت، نظام اجتماعی که ظرفیت پذیرش مشارکت را داشته باشد، شرایط ذهنی و مالی مناسب برای مشارکت، وجود جو بردباری و تساهل، توسعه فرهنگی و پذیرش کثرت‌گرایی از زمینه‌های اصلی مؤثر در تحقق و بسط مشارکت اجتماعی هستند (گائوتری، ۱۹۸۶: ۱۱).	۳
موشی (۱۹۸۶) براساس تجربه تانزانیا در نهادی کردن مشارکت معتقد است برای بسط و گسترش مشارکت در آغاز ضرورت دارد روحیه دموکراسی نهادی شود. به نظر او پیش‌شرط‌های نهادی شدن مشارکت عبارت‌اند از: الف- ایدئولوژی مشارکتی (بعد هنجاری)؛ ب- نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)؛ ج- اطلاعات کافی و مناسب؛ د- منافع فنی و مادی مناسب. به نظر وی اینها لوازم نهادی شدن مشارکت هستند که باید در اختیار توده مردم و رهبران جامعه باشند ولی در عمل معمولاً این شرایط در کشورهای جهان سوم وجود ندارند. به نظر او، نهادی شدن ایدئولوژی مشارکتی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مشکل‌زا در کشورهای جهان سوم است (موشی، ۱۹۸۶: ۲۸۴).	۳

<p>چکیده</p>	<p>۳</p>
<p>سالیما عمر راه عمده توسعه را فقط از طریق مشارکت مردم و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌داند. به نظر وی یکی از عوامل مؤثر بر راه جلب مشارکت مردمی تأسیس نهاد مشارکتی است. منظور از تأسیس این نهاد، ایجاد مکانیزم‌هایی است که، به‌طور مستمر و پایدار، مکانی را در اختیار مردم قرار می‌دهند تا درباره مشکلاتی که با آنها مواجه‌اند به بحث بپردازند و در مورد مسائل، تصمیم‌گیری و راه‌حلی را تعیین کنند و به برنامه‌ریزی فعالیت‌هایی بپردازند که آرزوهایشان را منعکس می‌کند. علاوه بر این، یکی دیگر از مکانیزم‌های جلب مشارکت مردمی وجود یک نظام غیرمتمرکز است. هر چه عدم تمرکز کوچک‌تر باشد، مشارکت مستقیم‌تر و مداخله و کنترل نهایی آنها، که به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دارند، بیشتر است (عمر، ۱۳۶۵: ۳۳).</p>	<p>۳</p>
<p>میسرا به عنوان یکی از نظریه‌پردازان توسعه مشارکتی معتقد است که برای جلب مشارکت مردم در طرح‌های توسعه باید نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز ایجاد شود. او طرفدار توسعه از پایین به بالا است. به نظر وی، ساده‌لوحانه است که بگوییم مردم آمادگی لازم جهت به‌دوش کشیدن مسئولیت‌ها را ندارند. در نظر او، احساس مسئولیت امری ذاتی نیست بلکه محصول نظام اجتماعی است که انسان در آن رشد می‌کند. دادن مسئولیت به مردم یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای ایجاد جامعه مسئول است (میسرا، ۱۳۶۵: ۲۳).</p>	<p>۳</p>
<p>برایان جین برای دستیابی به مشارکت مردمی چهار عامل را ضروری می‌داند: (۱) وجود ایدئولوژی مشارکت: برای ایجاد ایدئولوژی مشارکت باید سه اقدام صورت گیرد. الف- اعتماد به مردم، ب- ایجاد روحیه خوداتکایی در مردم، و ج- اقدامات گروهی و تشکیل انجمن‌ها؛ (۲) بعد سازمانی مشارکت و وجود مؤسسات مشارکتی: این مؤسسات یک هدف عمده دارند و آن تعدیل در سطوح بالا و گسترش آن در سطوح پایین جامعه است. نقطه شروع چنین حرکتی تمرکززدایی است که معمولاً با مخالفت‌هایی از طریق ساختار مدیریتی بالادست روبه‌رو است؛ (۳) فراهم کردن اطلاعات کافی و ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی: بدون وجود اطلاعات کافی، حتی اگر مؤسسات مشارکتی باشند، اتفاق نمی‌افتد. مردم باید در خصوص فرایند کار، نتایج احتمالی آن و موارد دیگر اطلاعات داشته باشند؛ (۴) دسترسی به منابع فنی و اعتباری: علاوه بر مواردی که به آنها اشاره شد، برای مشارکت، نیاز به نیروی انسانی و بودجه کافی است (برایان جین، ۲۰۰۳: ۸-۹).</p>	<p>۳</p>



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان بخش‌های عمرانی و فنی شاغل در ادارات و نهادهای استان ایلام شامل فرمانداری، شهرداری، جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن، آب و فاضلاب شهری و روستایی، اداره منابع طبیعی و آب‌خیزداری، اداره آب منطقه‌ای، اداره برق و شرکت گاز است. حجم نمونه به تعداد ۱۳۰ نفر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای در سطح شهرستان‌های ایلام و دهلران به دست آمده است. ابزار گردآوری داده‌های تحقیق پرسشنامه است و متغیرهای تحقیق نیز طبق جدول شماره ۲ عملیاتی شده‌اند.

جدول ۲. تعریف عملیاتی متغیرها

معرفها	مؤلفه‌ها	پایه نظری
مسئولیت‌پذیری، دانش فنی و تخصصی بالا، داشتن شغل با مأموریت مشخص، تناسب شغل با تخصص، تناسب شغل با روحیات و توانایی‌های فردی، دقت عمل، با انگیزه بودن، متعهد بودن، خلاق بودن.	اعضا و مدیران خوب	پایه نظری
انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری و ارائه پیشنهادهای جدید، انعطاف‌پذیری در اجرای کارها، انعطاف‌پذیری در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده، انعطاف‌پذیری در واگذاری منابع مالی مورد نیاز بخش‌ها.	انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری	
تعهد نهادها در انجام وظایف، احساس مسئولیت نسبت به سایر مسائل و مشکلاتی حتی فراتر از حیطه وظایف، تعهد در عملی کردن وعده‌های‌شان در رابطه با عمران و آبادانی منطقه، احساس تعهد نهادها در قبال مردم، احساس تعلق کارکنان ادارات به استان، احساس تکلیف نهادها نسبت به پیشرفت و آبادانی یا توسعه استان.	تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه	
توان جمعی نهادها، تمایل جمعی نهادها برای تعامل با سطوح بالاتر، میزان تأثیرپذیری نهادها از سطوح بالاتر، امکان‌پذیر بودن انتقال دیدگاه‌های مشترک ادارات به مقامات بالاتر، داشتن نماینده جهت انتقال دیدگاه به مقامات بالاتر، وجود هیأت مشترک.	تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر	
استفاده از دیدگاه‌های مردم، استفاده از دیدگاه معتمدین و نخبگان محلی، گوش دادن به نظرات و سخنان مردم، استقبال از پیشنهادهای مردم.	میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم	
وجود کتاب، پایان‌نامه، جزوه آموزشی و نقشه‌های طرح‌ها و پروژه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای در سطح استان، اطلاع ادارات و کارکنان از آمار و اطلاعات طرح‌های توسعه محلی استان، شناخت نهادها، ادارات و تشکل‌های مختلف نسبت به شرایط و ویژگی‌های مختلف استان، میزان دانسته‌ها و آگاهی کارکنان در مورد ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و طبیعی استان.	میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه	
خوانا بودن و شفاف بودن قوانین و مقررات ملی و محلی، عدم برداشت‌های متفاوت از یک ماده قانونی و یا وجود دستورالعملی مشخص در سطح استان، عدم تعدد قوانین و مقررات، اختیار نهادها در تدوین مقررات و دستورالعمل‌ها، میزان انعطاف‌پذیری قانونی نهادها، میزان الزام قانونی در زمینه هماهنگی و همکاری نهادها، تناسب قوانین و مقررات ملی با شرایط و وضعیت بومی استان.	قوانین مناسب	
آگاهی مردم از طرح‌ها و پروژه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای، شرکت در جلسات، اظهار نظر در خصوص طرح‌ها و پروژه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای، کمک مالی به طرح‌ها و پروژه‌ها توسعه محلی و منطقه‌ای، کمک‌های انسانی به طرح‌ها و پروژه‌های توسعه محلی و منطقه‌ای، رضایت از نحوه انجام امور طرح‌های توسعه محلی در سطح استان، رضایت از نتیجه طرح‌ها و پروژه‌ها، اعتماد به مجریان طرح‌ها و پروژه‌ها.	رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام	

یافته‌های تحقیق

الف) ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان

۱. کل افراد مورد بررسی در این مطالعه ۱۳۰ نفر بوده‌اند که از این تعداد ۶۳/۸۴ درصد را مردان و ۳۰/۷۶ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.
۲. از نظر توزیع متغیر سن ۲۴/۶ درصد در گروه سنی ۲۴-۳۵ سال، ۳۰/۳۲ درصد در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال، ۳۰/۷۶ درصد در گروه سنی ۴۶-۵۰ سال قرار داشته و ۱۲/۳ درصد نیز بالای ۵۰ سال داشته‌اند.
۳. از نظر وضعیت تأهل ۹۱/۵۳ درصد از پاسخگویان متأهل و ۸/۴۶ درصد مجرد بوده‌اند.
۴. از نظر وضعیت تحصیلات، ۷۵/۳۸ درصد از پاسخگویان دارای مدرک کاردانی و کارشناسی و ۲۴/۶۱ دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری بوده‌اند.
۵. به لحاظ سابقه خدمت، ۵۳/۸۴ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۳۰/۷۶ درصد بالای ۲۱ سال و ۱۵/۳۸ درصد نیز زیر ۱۰ سال سابقه خدمت داشته‌اند.

ب) توصیف متغیرهای تحقیق

جدول شماره ۳ آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. همان طور که از داده‌های جدول برمی‌آید بیشترین میانگین متعلق به متغیر مؤلفه اعضا و مدیران خوب (۲۳/۴۷) است و پس از آن متغیرهای سرمایه نهادی کل با میانگین ۲/۹۰۲، آگاهی نهادها از شرایط منطقه با میانگین ۲/۸۸، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه با میانگین ۲/۸۱، قوانین مناسب با میانگین ۲/۸۱، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری با میانگین ۲/۷۹، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم با میانگین ۲/۷۳، تعامل جمعی نهادها در ارتباط با سطوح بالاتر با میانگین ۲/۵۹ در مراتب بعدی قرار دارند. کم‌ترین میانگین نیز متعلق به متغیر وابسته یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام به میزان ۲/۵۵ است.

جدول ۳. توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر/شاخص	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
سرمایه نهادی	۱/۵۹	۴/۷۹	۲/۹۰	۰/۵۱۳
اعضا و مدیران خوب	۱/۱۷	۱۰/۵۰	۳/۴۷	۰/۹۸۳
انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری	۱/۲۵	۵/۰۰	۱/۷۹	۰/۸۳۶
تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه	۱/۲۰	۴/۸۰	۲/۸۱	۰/۸۰۵
تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر	۱/۰۰	۴/۵۰	۲/۵۹	۰/۷۷۲
میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم	۱/۰۰	۵/۰۰	۲/۷۳	۰/۹۰۲
آگاهی نهادها از شرایط منطقه	۱/۲۵	۵/۰۰	۲/۸۸	۰/۶۸۲
قوانین مناسب	۱/۵۰	۴/۱۳	۲/۸۱	۰/۵۳۰
رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام	۱/۰۰	۴/۵۰	۲/۵۵	۰/۶۷۳

ج) تحلیل رگرسیونی

جدول زیر نحوه ورود متغیرها به مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود در گام اول متغیر تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر وارد مدل شده است. در گام دوم نیز متغیرهای تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر و آگاهی نهادها از شرایط منطقه وارد مدل شده‌اند. اما در گام سوم، علاوه بر دو متغیر تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر و آگاهی نهادها از شرایط منطقه، متغیر قوانین مناسب نیز وارد مدل شده است. همچنین، چهار متغیر اعضا و مدیران خوب، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه و میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی نتوانسته‌اند وارد مدل شوند.

جدول ۴. متغیرهای وارد شده و حذف‌شده در/ از مدل رگرسیونی

مدل	متغیرهای وارد شده در مدل	متغیرهای حذف‌شده از مدل	روش رگرسیونی
۱	- تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر		Stepwise
۲	- تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر - آگاهی نهادها از شرایط منطقه	- اعضا و مدیران خوب - انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری - تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه	
۳	- تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر - آگاهی نهادها از شرایط منطقه - قوانین مناسب	- میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم	

نتایج جدول فوق، همچنین، نشان می‌دهد که چهار متغیر اعضا و مدیران خوب، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه و میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی، حائز شرایط لازم برای ورود به معادله نشده‌اند.

جدول ۵. مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل برای تبیین متغیر وابسته

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین (R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری آزمون F	مقدار ثابت
گام به گام	۰/۵۲۴	۰/۲۷۵	۱۵/۹۰۶	۰/۰۰۰	۰/۶۴۵

جدول شماره ۵ نتایج مربوط به اجرای مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از نتایج برمی‌آید، ضریب همبستگی مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مورد بررسی برای تبیین متغیر وابسته برابر با ۰/۵۲۴ است. همچنین، نسبتی از واریانس متغیر وابسته که توسط متغیرهای تحقیق تبیین شده حدود ۲۸ درصد است. با توجه به معنی‌داری آزمون F نیز می‌توان گفت که مدل رگرسیونی تحقیق، مدل خوبی بوده و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. شایان ذکر است که این مدل گام به گام در سه گام به اجرا درآمده است، اما در نهایت، نتایج مربوط به گام آخر مدل رگرسیونی در قالب جداول مرتبط ارائه شده است.

جدول ۶. پیش‌بینی نمرات متغیر وابسته بر حسب متغیر متغیرهای مستقل

متغیرها	مقدار B	ضریب بتا (β)	مقدار آزمون t	سطح معنی‌داری
مقدار ثابت	۰/۶۴۵	-	۲/۰۶۶	۰/۰۴۱
تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر	۰/۲۲۹	۰/۲۶۳	۲/۹۰۲	۰/۰۰۴
میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه	۰/۲۳۷	۰/۲۴۰	۲/۹۱۳	۰/۰۰۴
قوانین مناسب	۰/۲۲۵	۰/۱۷۷	۲/۰۲۷	۰/۰۴۵

طبق نتایج به دست آمده، از میان متغیرهای مستقل، متغیر تعامل جمعی نهادها بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد و ۲۶/۳ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند. پس از آن، متغیر مستقل میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه، قرار دارد که آن نیز ۲۴ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. سرانجام، باید از متغیر قوانین مناسب، به عنوان سومین متغیر پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته نام برد که قادر است ۱۷/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. همچنین، مقدار همبستگی مجموع این متغیرها با متغیر وابسته، یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام، برابر با ۰/۵۲۴ است که نشان‌دهنده همبستگی نسبتاً بالا میان متغیرهای مستقل و وابسته است. در واقع، با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، حدود ۲۸ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته به سه متغیر ذکر شده در این معادله بستگی دارد. به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل مجموعاً کمتر از نیمی از واریانس متغیر وابسته را برآورد می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف شناخت و تحلیل سرمایه نهادی مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام نگاشته شده است. هرچند مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام می‌تواند از عوامل و متغیرهای متعددی تأثیر پذیرد اما تمرکز اصلی این پژوهش بر متغیر سرمایه نهادی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام است. بر این اساس، دو پرسش اصلی مطرح شدند: نخست اینکه میزان سرمایه نهادی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام چگونه است؟ و دوم آنکه شاخص‌های سرمایه نهادی چه تأثیری بر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارند؟

در پاسخ به پرسش نخست، نتایج آمار توصیفی تحقیق نشان داد که بیشترین میانگین به مؤلفه اعضا و مدیران خوب (۳/۴۷) تعلق دارد و پس از آن، به ترتیب، به متغیرهای سرمایه نهادی (۲/۹۰۲)، آگاهی نهادها از شرایط منطقه (۲/۸۸۲)، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه (۲/۸۱۰)، قوانین مناسب (۲/۸۱۴)، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری (۲/۷۹۰)، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم (۲/۷۳۳)، تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر (۲/۵۹۲) تعلق دارد. همچنین، کمترین میانگین نیز متعلق است به متغیر رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام به میزان (۲/۵۵۳۸). بنابراین، میزان دو متغیر سرمایه نهادی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام کمتر از حد متوسط است و باید تقویت شود. به علاوه، شاخص اعضا و مدیران خوب در میان شاخص‌های سرمایه نهادی تنها شاخصی است که میانگین بالاتر از حد متوسط نشان می‌دهد و مابقی شاخص‌ها میانگین پایین‌تری دارند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت سرمایه نهادی در منطقه ایلام در حد مطلوبی نیست و باید تدابیری در راستای تقویت این نوع سرمایه در سطح نهادها و ادارات استان اندیشیده و عملی شود تا ضعف سرمایه نهادی استان را بهبود یافته، و متعاقباً، سرمایه نهادی منطقه ایلام به شرایط مطلوب و حداقل بالاتر از حد متوسط برسد. افزون بر این، میزان رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام نیز نه تنها از سطح پایینی برخوردار است بلکه بر اساس یافته‌های این تحقیق کم‌ترین میزان را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که در استان ایلام و شهرستان‌های تابع، هر دو شاخص سرمایه نهادی و رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام، از وضعیتی مناسب و حتی از سطحی متوسط برخوردار نیستند.

در پاسخ به پرسش دوم تحقیق، نتایج تحلیل رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد که از هفت شاخص سرمایه

نهادی یعنی اعضا و مدیران خوب، انعطاف‌پذیری نهادها در تصمیم‌گیری، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه، تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم و میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه و قوانین مناسب، چهار شاخص اعضا و مدیران خوب، انعطاف‌پذیری نهادها در تصمیم‌گیری، تعهد جمعی نهادها برای توسعه منطقه و میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم رابطه معناداری با رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام نشان نمی‌دهند اما سه شاخص تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر، با میزان بتای برابر با (۰/۲۶۳)، میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه با میزان بتای برابر با (۰/۲۴۰) و قوانین مناسب با میزان بتای برابر با (۰/۱۷۷)، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام داشته‌اند. اگر چه دیگر شاخص‌های سرمایه نهادی رابطه معناداری با متغیر وابسته نداشته‌اند اما نباید مورد کم‌توجهی و غفلت قرار گیرند؛ چرا که هر کدام از شاخص‌های سرمایه نهادی حداقل به لحاظ نظری در توسعه مشارکتی، که رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه در قانون آن قرار دارد، مهم و تأثیرگذارند.

به‌طور کلی، بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان استدلال کرد که برنامه‌ریزان توسعه شهری و روستایی استان، نهادها و ادارات، و به‌ویژه، مدیران و کارشناسانی که در اداره استان دست‌اندرکارند و به ایفای نقش‌های مدیریتی و کارشناسی می‌پردازند بایستی نسبت به سه شاخص تعامل جمعی نهادها با سطوح بالاتر، میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه، و قوانین مناسب که رابطه معنی‌داری با مشارکت مردم در توسعه منطقه ایلام دارند هوشیار و حساس باشند. همچنین، اگر مدیران نهادها و ادارات استان، برنامه تشویق و ترغیب نیروهای تحت امر خود را با هدف ارتقاء سرمایه نهادی سازمان متبوع خویش در دستور کار قرار دهند رویکرد توسعه مشارکتی تقویت خواهد شد. البته احساس مسئولیت، توجه و همت مردم ساکن استان نسبت به مقوله مشارکت و مؤلفه‌های آن نیز می‌تواند به الگوی توسعه مشارکتی ایلام پویایی خاصی ببخشد. همچنین، به جای جزیره‌ای عمل کردن نهادها یا سازمان‌های ذی‌ربط در توسعه ایلام، ایجاد یک بستر تعاملی مشترک نهادی در سطح افقی و عمودی به منظور پیشبرد اهداف توسعه مشارکتی پیشنهاد می‌شود و انتظار بر آن است که افزایش میزان آگاهی نهادها از شرایط و وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، طبیعی و جغرافیایی منطقه ایلام بتواند توسعه مشارکتی استان را در یک مسیر مناسب قرار دهد. تناسب قوانین با شرایط و پتانسل‌های خاص شهرستان‌های استان ایلام نیز مؤلفه دیگری است که در صورت تقویت و توجه جدی به آن، می‌توان شاهد تسهیل و تقویت رویه‌ای شدن مشارکت مردم در توسعه محلی و منطقه‌ای، و به‌ویژه، توسعه مشارکتی ایلام بود.

منابع

اوکلی، پیتر و دیوید، مارسدن (۱۳۷۰). *رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*. ترجمه منصور محمود نژاد. تهران: سمت.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک*. تهران: سمت.

سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*. تهران: سمت.

صمدی‌راد، انور (۱۳۸۵). «مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی». *رفاه اجتماعی*. سال پنجم. شماره ۲۱. صص ۹۹-۱۲۲.

- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۸). «مشارکت مردم». *مجله تعاون*. دوره جدید. آذر ۱۳۷۸. شماره ۹۹. صص ۱۶-۱۲.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۷۸). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد مطالعه: شهر اصفهان)». پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- عمر، سالیم (۱۳۶۵). *دموکراسی مشارکتی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). «تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران (مطالعه موردی: روستاهای شهر کاشان)». پایان‌نامه دکتری. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نشر نزدیک.
- فرجی‌راد، خدر (۱۳۹۰). «تبیین رابطه ظرفیت نهادی و توسعه پایدار منطقه‌ای و ارائه یک چارچوب مناسب (مطالعه موردی شهرستان‌های بوکان و ارومیه)». رساله دکتری. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲). *مشارکت اجتماعی در ایران*. تهران: آرون.
- موسوی، سید رحیم (۱۳۹۵). «تحلیل عوامل مرتبط با توسعه مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه در استان ایلام». رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- مونکنز، هانس (۱۳۷۴). *راهبردهایی برای گسترش سازمان‌های خودیاری*. ترجمه حمیدرضا زرنگار. تهران: معاونت ترویج جهاد سازندگی.
- میسرا، آر. پی. (۱۳۶۵). «مشارکت مردمی». *مجله جهاد*. شماره ۸۹. سال ششم. صص ۵-۲.
- نیازی، محسن (۱۳۸۵). «تبیین وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان کاشان». فصلنامه *کاشان شناخت*. شماره دوم.
- نیازی، محسن (۱۳۸۰). «تبیین موانع مشارکت اجتماعی شهر کاشان». رساله دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه اصفهان.

- Alaerts, G., Hartvelt, F., & Warner, J. (1997). "Capacity Building: Beyond the project Approach". *Waterlines*. 15 (4). pp. 2-5.
- Couton, P., & Gaudet, S. (2008). "Rethinking Social Participation: (Case of immigrants in Canada)". *Migration & Integration*. Vol. 9. Issue 1. pp. 21-44.
- Gaotri, H. (1986). *Popular Participation in Development*. Unesco, Paris.
- Giordano, B. (2001). "Institutional Thickness, Political Sub-Culture and the Resurgence of (The 'New') Regionalism in Italy: A Case study of the Northern League in the Province of Varese". *Transactions of the Institute of British Geographers*. Vol. 26. No.1. pp.25-41.
- Goldsmith, A. (1993). "The Institutions and Planned Socioeconomic Change :Four Approaches". *Public Administration Review*. 52 (6). pp. 582-587.
- Healey, P.(1998). "Building Institutional Capacity through Collaboratives Approaches to Urban Planning". *Environment and planning*. Vol.30. pp. 1531-1546.
- Hyypa, M.T., Maki, J., Alanen, E., & Impivaara, O. (2008). "Long-term stability

- of Social Participation". *Soc Indic Res*. Vol. 88. pp. 389-396.
- Lipjhart, A. (1984). *Democracies*. Yale University Press. New Haven.
- Malekovic, S., Jaksa, p., & Mario, P. (2007). "Institutional Capacity for Regional Development in Croatia on the County level". *Croatian International Relations Review*. 12 (44/45). pp. 139-148.
- Mushi, S. (1986). "Institutionalization of popular participation" in: *participation in world development*. paris: unesco.
- Reddy, R., et al. (1973). "Why do people participation in voluntary action?" *Journal of extension*. Vol. X. Winter .
- Sumper, M. (2007). "Is there any Institutional Capacity for Integrated Regional Development? Application of New Governance Approaches in Croatia". 47 th Congress of the European Reigional Science Association. Paris. August 29th to September 2ND.
- Uphoff, N. (1986). *Local Institutions & participation for Sustainable Development*. International Institute for Environmen and Development. London.
- Willems, S., & Baumert, K. (2003). *Institutional Capacity & Climate Action*. Paris: OECD and IEA.